



عوامل تاثیرگذار در روابط میان امریکا و عربستان در دوره بایدن

فاطمه جوانمرد

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

دکتر رضا اختیاری امیری

استادیار رشته روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران

چکیده

پس از گذشت سال‌ها از همکاری و روابط میان امریکا و عربستان سعودی به دلیل همسو بودن منافع، از دو دهه اخیر ما شاهد کاهش همکاری و ایجاد تعارض در منافع میان این دو کشور هستیم. کاهش حضور امریکا در خلیج فارس با ایجاد منافع متعارض میان این دو کشور همراه شد. این کاهش روابط در دوره اوباما شروع شده و اکنون در زمان بایدن شدت گرفته است و امکان ایجاد روابط حداقلی بین دو کشور بیشتر شده است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به سوال؛ چه عواملی در روابط بین امریکا و عربستان در دوره بایدن اثر گذاشته است، می‌باشد. در پاسخ باید گفت دلایل مختلفی را می‌توان برای کاهش روابط میان این دو کشور نام برد اما مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از نفت، ایران و موضوع حقوق بشر در عربستان. اما با وجود کاهش روابط میان امریکا و عربستان، دو کشور همچنان منافع همسویی دارند که سبب همکاری آن‌ها در زمینه‌های خاص شده است. صلح ابراهیم و مسئله فلسطین از جمله عوامل همگرا برای این دو کشور تا کنون بوده است. با توجه به منافع متفاوت و مشابه، برای تبیین پژوهش حاضر از رهیافت «موازنه منافع» استفاده شده است. روش پژوهش حاضر کیفی و با رویکرد توصیفی-تبیینی می‌باشد و داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری شده‌اند.

واژگان کلیدی: امریکا، عربستان، منافع متعارض، منافع همسو



۱- بیان مسئله

حضور امریکا در خلیج فارس به سال ۱۹۲۸ بازمی‌گردد، زمانی که این کشور روابط خود را با کشورهای خلیج فارس از طریق پیمان مودت با سلطان عمان آغاز کرده بود. این روابط تا قبل از جنگ جهانی دوم ادامه یافت اما پس از کشف نفت روابط امریکا با کشورهای خلیج فارس متحول شد. کشف نفت در خلیج فارس سبب شد تا امریکا روابط خود را با کشورهای خلیج فارس گسترش دهد. در سال ۱۹۳۳، امریکا اولین کمپانی نفتی خود را با نام شرکت نفت استاندارد عربی-کالیفرنیا در عربستان بنا نهاد (جوانمرد، ۱۴۰۲). از این پس روابط امریکا و عربستان حول محور نفت، شکل گرفت.

عربستان به عنوان یکی از کشورهای دارنده نفت در شکل ذخائر عظیم آن، توجه امریکا را به خود جلب کرده است. همانگونه که بیان شد روابط امریکا و عربستان از سال ۱۹۳۳ از طریق کمپانی نفتی آغاز شده است و پس از آن نیز در سال ۱۹۴۵ این روابط شکل رسمی به خود گرفت. نفت و مقابله با کمونیسم دو عامل برای نزدیک شدن جمهوری سکولار مشروطه به حکومت پادشاهی مطلقه اسلامی بوده است. نزدیک شدن امریکا به عربستان ابتدا برای نفت و سپس برای مقابله با شوروی صورت گرفته است. روابط میان عربستان و امریکا به صورت یک معامله صورت گرفته است، نفت در ازای امنیت. این معامله سبب شده است تا رابطه ۹۰ ساله بین این دو کشور نظم امنیتی خلیج فارس را تا کنون شکل دهد.

از زمان رسمی شدن روابط میان امریکا و عربستان تا قبل از دوران ریاست جمهوری باراک اوباما در امریکا، دو کشور روابط نسبتاً پایداری را تجربه کرده بودند. با روی کار آمدن اوباما و دگرگونی در سیاست امریکا، روابط میان دو کشور تا حدودی به سردی گرایید زیرا امریکا توجه خود را از خاورمیانه و به طور خاص از خلیج فارس به سمت آسیای شرقی برده و همچنین از حجم نفت وارداتی خود در این دوره کاسته است. در این دوره، اوباما عربستان را به سواری رایگان از امریکا متهم کرد (بهرامی مقدم، ۱۳۹۷) و به دنبال کاهش روابط با این کشور بود. دوره ریاست جمهوری اوباما را می‌توان شروع کم‌رنگ شدن روابط این دو کشور دانست که حتی با وجود روابط نسبتاً خوب دونالد ترامپ با عربستان نیز این روابط بهبود نیافت.



جو بایدن، رئیس جمهور کنونی امریکا نیز قبل از به قدرت رسیدن، سیاست های خود را در تقابل با عربستان اعلام کرد. اما در دوره ریاست جمهوری بایدن، درمورد عربستان برخورد جدی صورت نگرفته است و بایدن روابط بیمارگونه امریکا را که از زمان اوپاما شروع شد با این کشور تا کنون حفظ کرده است. در دوره وی تحولات زیادی در روابط میان دو کشور ایجاد نشده و همچنان روندی که از زمان اوپاما آغاز شده بود، ادامه پیدا کرده است.

در دیگر سو، عربستان نیز با توجه به سیاست های چند دهه اخیر امریکا و عدم حمایت این کشور از منافع ریاض در خاورمیانه، سعی کرده است منافع متعارضی را با این کشور در پیش بگیرد. برای خلا قدرت امنیتی که بدون حضور امریکا در خلیج فارس در آینده نزدیک برای عربستان رخ می دهد، این کشور به دنبال جایگزین کردن بازیگر قدرتمند دیگری است. در این راستا می توان نزدیک شدن عربستان به چین را مورد مذاقه قرار داد. هرچند هدف از نزدیک شدن عربستان به چین را می توان برانگیختن احساس خطر برای منافع امریکا نیز در نظر گرفت اما منفعی که عربستان با چین دنبال می کند نشان دهنده تعارض منافع با امریکا می باشد.

تعارضات دو کشور سبب شده است تا یک دگرگونی جدیدی در روابط عربستان با سایر کشورها ایجاد شود. از سرگیری روابط عربستان با ایران، نزدیک شدن این کشور به چین و روسیه جملگی این روابط هستند که می تواند در آینده سبب کاهش قدرت امریکا شود. با این وجود دو کشور عربستان و امریکا روابط پر فراز و نشیب خود را تا کنون ادامه داده اند چرا که عربستان هنوز نتوانسته است از وابستگی امنیتی خود به امریکا به طور کامل دست بردارد و امریکا نیز همچنان منافع خود را در خاورمیانه و خلیج فارس دنبال می کند.

در این دوران عوامل مختلفی در روابط دو کشور تاثیر گذاشته است. سوال اصلی پژوهش حاضر این است که چه عواملی در روابط میان عربستان و امریکا در دوره بایدن اثر گذاشته است؟ در پاسخ به سوال پژوهش باید گفت که عوامل تاثیرگذار بر روابط این دو کشور را باید به دو دسته واگرا و همگرا تقسیم کرد. عوامل اثر گذار در روابط میان آن ها سبب شده است تا یک رابطه کج دار و مریض ایجاد شود. عواملی که سبب شده اند تا روابط نه به صورت کامل قطع و نه پیوند محکم بین این دو کشور ایجاد شود. روش پژوهش حاضر کیفی و با رویکرد توصیفی-تبیینی می باشد و داده ها از منابع کتابخانه ای و اینترنتی جمع آوری شده اند. برای تبیین پژوهش نیز از رهیافت «موازنه منافع» استفاده شده است.

۲- چارچوب نظری: موازنه منافع

رئالیسم^۱، به عنوان یکی از پارادایم‌های اصلی روابط بین‌الملل شناخته شده است. مولفه‌های اصلی این پارادایم، آنارشی، دولت محوری، قدرت محوری و موازنه قدرت هستند. بعد از گذشت چند دهه، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی در دل این پارادایم صورت گرفته است اما همگی زیر شاخه‌های آن به اصول و مولفه‌های اصلی رئالیسم معتقد هستند. در بین شاخه‌های رئالیسم، شاخه نئوکلاسیک قرار دارد که از شاخه‌های دیگر یعنی رئالیسم کلاسیک و رئالیسم ساختاری تکامل یافته است. در این پارادایم رفتار خارجی دولت متأثر از سه مقوله قدرت، دولت‌ها و ساختار نظام بین‌الملل است، درواقع قدرت به عنوان متغیر وابسته، ساختار به عنوان متغیر مستقل و دولت نیز به عنوان متغیر میانجی، رفتار خارجی دولت‌ها را شکل می‌دهند (پوراحمدی و دارابی، ۱۳۹۷).

یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان مکتب نئوکلاسیک^۲، رندال شولر^۳ است. او نظریه خود را با نقد نظریه والتز آغاز می‌کند. والتز در نظریه خود ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل را محرک رفتار دولت‌ها می‌داند اما شولر علاوه بر آن، متغیرهای داخلی را نیز در رفتار دولت اثرگذار می‌داند. شولر نظریه «موازنه منافع»^۴ خود را براساس متغیرهای داخلی و خارجی در تحلیل رفتار دولت در نظام آنارشی، ارائه کرد. شولر برخلاف والتز و والت که موازنه را نتیجه یک قانون طبیعت و یا اتوماتیک وار یا نیمه اتوماتیک در میان دولت‌ها تصویر می‌کنند، معتقد است که موازنه قدرت نتیجه عملکرد فکری انسان است و در آن مهارت دیپلمات‌ها و دولتمردان، حس جامعه ملل، مسئولیت مشترک و تمایل و نیاز به حفظ تعادل قدرت در سیستم وجود دارد (حاجی یوسفی و نعمتی، ۱۳۹۸).

شولر بر این باور است که دولت‌ها سرشت و سیاست‌هایی توسعه‌طلبانه دارند و به طور اساسی یا دولت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف محدود هستند که درصدد ارتقای وضعیت خود در درون

¹ Realism

² Neoclassical

³ Randall Shuler

⁴ Balance of interests



نظام بین‌المللی هستند و یا دولت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف نامحدود که درصدد دگرگونی هنجارهای نظم مستقر و سلطه جهانی و تفوق ایدئولوژیکی اند و در میان فشارهای متعارض است که منافع و اهداف سیاست خارجی دولت‌ها شکل می‌گیرد و دولت‌ها هم‌زمان می‌توانند منافع رقابتی و همکاری جویانه نسبت به یکدیگر داشته باشند (بهرامی مقدم، ۱۳۹۷). بر این اساس دولت‌ها از میان فشارهای متعارض منافع‌شان را دنبال می‌کنند این فشارها می‌تواند فشارهای ناشی از منافع متعارض دیگر دولت‌ها و یا فشارهای ناشی از محرک‌های متعارض داخلی باشد که به رغم اختلافاتی که سبب جدایی دولت‌ها می‌شود، هم‌زمان ممکن است عواملی سبب همکاری آن‌ها در زمینه‌های موضوعی دیگر شود (بهرامی مقدم، ۱۳۹۷).

روابط آمریکا و عربستان در دوره بایدن را می‌توان بر اساس نظریه موازنه منافع تحلیل کرد. با گذشت زمان و ایجاد اهداف و منافع متعارض در دو کشور و رفتارهای متعارضی که دولت مردان دو کشور در زمان‌های مختلف به علت منافع کشورشان از خود بروز دادند سبب شده است تا دو کشور از یک دیگر فاصله بگیرند. اما آمریکا و عربستان منافع یکسانی نیز دارند که تا زمانی که این منافع کسب نشود دو کشور به همکاری در کنار تعارضات ادامه می‌دهند.

۳- عوامل همگرا و واگرا در روابط میان آمریکا و عربستان

از زمانی که رئیس‌جمهور فرانکلین روزولت و ملک عبدالعزیز پادشاه آل سعود روابط خود را با نام USS Quincy^۵ آغاز کردند، برای حدود سه چهارم قرن یک رابطه نزدیک و البته ناآرام داشتند. ایالات متحده به دنبال تامین پایدار نفت بود و ریاض برای امنیت به واشنگتن نگاه می‌کرد (Cook and Indyk, 2022). کشف نفت و هدف تامین آن، قدرت‌گیری شوروی و تبدیل شدن جهان به دو قطب، سبب شد تا تمرکز آمریکا بر خلیج فارس افزایش یابد. در این دوره آمریکا علاوه بر تامین امنیت پایدار نفت، به دنبال دفع تهدید شوروی که آن‌ها هم در زیر هدف اول به منظور جلوگیری از دسترسی شوروی به نفت خلیج فارس بود، بوده است.

^۵ پیمان کوئینسی نام جلسه‌ای است که در ۱۴ فوریه ۱۹۴۵ در ناویو اس اس کوئینسی میان فرانکلین روزولت رئیس‌جمهور آمریکا و ملک عبدالعزیز پادشاه عربستان صورت گرفت.



با گذشت زمان، دفع تهدید شوروی و کشف نفت شیل^۶ در امریکا سبب شد تا امریکا از خلیج فارس فاصله بگیرد. همچنین پس از رشد قدرت چین از تمرکز امریکا بر خلیج فارس و خاورمیانه کاسته شد و بر آسیای شرقی افزایش یافت. از دوره ریاست جمهوری اوباما که تاکید زیادی بر کاهش واردات نفت و تکیه به سوخت داخلی و همچنین تاکید بر انرژی پاک شد، تا کنون که اواخر دوره ریاست جمهوری جو بایدن می باشد، سیاست امریکا بر کاهش حضور در خلیج فارس و خاورمیانه بوده است.

در این میان روابط امریکا و عربستان که بر اساس معادله نفت و امنیت شکل گرفت، رو به زوال می رود. کاهش وابستگی به نفت عربستان و هزینه های گزاف امریکا در تامین امنیت عربستان سبب شد تا امریکا سیاست های متفاوتی را در پیش بگیرد و برای رسیدن به منافع در خاورمیانه مسیر دیگری را برگزیند. باید متذکر شد که اگرچه کاهش حضور امریکا را شاهد هستیم اما این کشور همچنان در میان کشورهای خاورمیانه ای به خصوص عربستان نفوذ دارد. براین اساس روابط دو کشور را در دوره کنونی می توان در دو مولفه همگرا و واگرا بررسی کرد.

۳-۱-عوامل واگرا

عواملی که سبب شده اند تا از روابط امریکا و عربستان کاسته شود را باید در سه مورد بررسی کرد:

۳-۱-۱-نفت

نفت، مهم ترین مولفه در آغاز روابط امریکا و عربستان است که در استمرار روابط آن ها اثر داشت. عربستان به عنوان بزرگ ترین تولید کننده نفت جهان که ۱۷٪ ذخایر نفتی جهان را دارا می باشد، شناخته شده است. امریکا از زمان کشف نفت در عربستان، عنوان بزرگ ترین شریک تجاری آن را به خود اختصاص داد. کل واردات نفت امریکا از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۸ حدود ۱۳۲ میلیارد و ۵۶۷ میلیون بشکه بود که از این مقدار ۵۸ میلیارد و ۸۵۱ میلیون بشکه را از عربستان سعودی وارد کرده است (عمادی و علیخانی، ۱۴۰۰) اما رفته رفته از نفت وارداتی عربستان به امریکا کاسته شد.

⁶ shale oil



سیاست های نفتی امریکا در خلیج فارس را باید در دو دوره مورد بررسی قرار داد. دوره اول از زمان ریاست جمهوری هری ترومن تا ریاست جمهوری رونالد ریگان را دربر می گیرد که سیاست های امریکا در منطقه در جهت جلوگیری از گسترش کمونیسم به منطقه بوده است، اما این سیاست یک سیاست پوششی برای افکار عمومی جهان بوده است و سیاست مهار کمونیسم را باید در زیر سیاست های نفتی امریکا در این منطقه قرار داد؛ دوره دوم سیاست های امریکا در منطقه از ریاست جمهوری جرج هربرت واکر بوش تا ریاست جمهوری جو بایدن را در برمی گیرد که از زمان جرج بوش پدر تا بایدن، حفظ جایگاه امریکا در خلیج فارس برای دسترسی به نفت شامل تغییر سیاست بوده است (جوانمرد، ۱۴۰۲).

در دوره جرج بوش پسر به دلیل بروز ناآرامی ها در حوزه انرژی در سال های ۲۰۰۰-۲۰۰۱، بوش را به ایجاد گروه توسعه سیاست ملی انرژی متقاعد ساخت که وظیفه اصلی آن بررسی در ارائه طرحی بلند مدت برای برآورد نیازهای امریکا بود و نتیجه گروه به وجود آمده این بود که امریکا دو مسیر در جلوی خود دارد اول اینکه باید به مسیری که سال ها پیش قرار گرفته است ادامه دهد و دوم اینکه باید به سمت جایگزین کردن انرژی های جدید به جای سوخت فسیلی رود. بروز شوک های نفتی که منشا آن در خلیج فارس بود، دولت مردان امریکایی را به این نتیجه رساند در کنار حضور نظامی و تامین امنیت این منطقه به سمت استفاده از منابع داخلی و الگوی انرژی جدید بروند در واقع دولت بوش از هر دو راه پیش روی امریکا که گروه انرژی براساس تحقیقات خود به دست آورد استفاده کرد (جوانمرد، ۱۴۰۲).

با این وجود در زمان ریاست جمهوری بوش پسر، از حجم نفت وارداتی کاسته نشد و اولویت بر واردات نفت از خلیج فارس بود. اما در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما برخلاف دوره بوش پسر، تاکید بر کاهش واردات نفت و استفاده از انرژی های پاک بوده است. در این دوره سیاست های امریکا بر کاهش واردات نفت از عربستان قرار گرفت. روی کار آمدن ترامپ عمل به این سیاست را تشدید کرد. در دوره دونالد ترامپ، استفاده حداکثری از انرژی داخلی کلید خورد و بهره برداری از نفت شیل افزایش یافت. در این دوره امریکا به صادرکنندگان نفت پیوست و به رقیبی نزدیک به عربستان تبدیل شد.

سیاست انرژی بایدن نیز همانند دو رئیس جمهور قبلی، تاکید بر کاهش واردات انرژی بود. بایدن در دوران کاندیداتوری خود اعلام کرده بود که استفاده از انرژی پاک را محور سیاست خود در



زمینه انرژی قرار می‌دهد و از بهره‌برداری نفت شیل می‌کاهد. با روی کار آمدن بایدن از تولید صد در صدی نفت شیل آمریکا کاسته شد. اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده^۷ (EIA) اعلام کرد که در سال ۲۰۲۳ از نفت شیل این کشور حدود ۳/۰۴ میلیارد بشکه که مساوی است با حدود ۸/۳۲ میلیون بشکه در روز، بهره‌برداری شده است (Eia, 2024 March 28). این امر نشان‌دهنده آن است که، اگرچه تمرکز بایدن بر انرژی پاک است اما همچنان این کشور برای مصارف خود از نفت شیل بهره‌برداری می‌کند و همچنین بر سیاست کاهش واردات نفت تکیه کرده است.

در دوران ذکر شده، رفته رفته از وابستگی آمریکا به نفت عربستان کاسته شده است. براساس معامله اولیه صورت گرفته یعنی نفت در ازای امنیت، بدیهی است که با کاهش وابستگی آمریکا به نفت عربستان، این کشور از تامین امنیت برای عربستان سر باز زند. در نتیجه کاهش تامین امنیت برای عربستان، این کشور نیز روابط خود با آمریکا را تنزل داده است. ایالات متحده معتقد است که دولت‌های متحد مانند عربستان سعودی و کشورهای عربی جنوب خلیج فارس خود باید تعادل منطقه‌ای را برای امنیت ایجاد کنند. به قدرت رسیدن بایدن و دموکرات‌ها این سیاست را بیشتر تسریع کرده است. بنابراین عربستان نمی‌تواند روی حمایت و حضور آمریکا در معادلات منطقه حساب کند. تمایل دولت بایدن برای دور کردن تمرکز خود از خاورمیانه، عربستان سعودی را ترغیب کرد تا اوضاع را به دست خود بگیرد (Bozorgmehri and Ghasemi, 2022).

محمد بن سلمان برای تاکید جایگاه استراتژیک عربستان برای آمریکا، سیاست‌های جدید را در دستور کار خود قرار داد. با کاهش حضور آمریکا، عربستان به دنبال یک بازیگر قدرتمند برای تامین امنیت خود رفته است. چین، کشوری که توجه عربستان را به خود معطوف کرده است. عربستان برای همراه کردن چین، مذاکراتی را با چینی‌ها درباره تعیین ارزش فروش نفت عربستان به چین به یوآن به جای دلار آغاز کرد (Cook and Indyk, 2022). همچنین در حالی که قیمت نفت پس از حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ به ۱۲۵ دلار در هر بشکه افزایش یافت، ولیعهد عربستان سعودی، محمد بن سلمان، درخواست جو بایدن، رئیس‌جمهور این کشور

⁷ U.S. Energy Information Administration

مبنی بر ایفای نقش سنتی خود در عرضه نفت بیشتر در بازار را رد کرد (Cook and Indyk, 2022). سیاست‌های جدید سبب تحریک امریکا شده است.

افزایش دخالت چین در خلیج فارس برای واشنگتن نگران‌کننده بوده و با واکنش‌هایی از سوی امریکا همراه شده است. در همین باب، رئیس‌جمهور بایدن از زمان سفر به منطقه خاورمیانه گفت که ایالات متحده «یک شریک فعال و متعهد باقی خواهد ماند» و افزود: «ما کنار نمی‌رویم و خلاء را برای پر کردن چین و روسیه و یا ایران باقی نمی‌گذاریم». حتی زمانی که چینی‌ها توانستند مشکل حل‌نشده بین سعودی‌ها و ایران را حل کنند، عربستان {برای نگه داشتن واشنگتن} به واشنگتن اعلام کرد که دخالت چین فقط در امور تجاری بود (The Guardian, 2023 October 7). عملکرد ریاض نشان‌دهنده سیاست‌های مستقل در تعارض با واشنگتن است همچنین واشنگتن نیز در روابط خود با ریاض از سیاست‌های حمایتی خود کاسته است. رفتارهای دو طرف حاکی از یک رابطه حداقلی است که نشان می‌دهد دو کشور فقط در منافع خاصی با یکدیگر همسو هستند.

۳-۱-۲- ایران

از سال ۱۹۷۹، امریکا و عربستان همکاری‌هایی را در راستای تضعیف ایران در منطقه خاورمیانه انجام دادند. در مسائل یمن، سوریه، فلسطین و بحرین ما شاهد همکاری‌های دو کشور در تقابل با ایران بوده ایم. عربستان و امریکا نسبت به مسئله ایران، منافع مشترکی را دنبال می‌کردند. همچنین در خصوص مسئله هسته‌ای ایران، عربستان و متحدین نزدیک‌ترش در شورای همکاری خلیج فارس در خصوص اعمال تحریم‌های بین‌المللی به منظور تحلیل بردن قابلیت‌های ملی ایران با امریکا همکاری چشمگیری داشتند. همچنین این دولت‌ها پایگاه‌های نظامی در اختیار امریکا قرار دادند که از این طریق فشارهای سیاسی را بر ایران و نیز متحدینش در خاورمیانه افزایش دهند (بهرامی مقدم، ۱۳۹۷).

پس از گذشت سال‌ها و حاصل نشدن پیشرفت در زمینه تحریم‌ها علیه ایران، در دوره اوباما، امریکا سعی کرد تا از طریق توافق هسته‌ای عملکرد هسته‌ای ایران را محدود کند. ایجاد برجام و پیشرفت آن سبب شد تا عربستان از متوقف کردن ایران هسته‌ای توسط امریکا، دچار تردید

شود. عربستان سعودی از مهم‌ترین مخالفان توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵ بود. عربستان توافق هسته‌ای ایران را نه به عنوان عاملی برای رفع کردن خطر جنگ و ایجاد ثبات در منطقه بلکه به عنوان افزایش عوامل قدرت ایران و افزایش تهدید ایران در منطقه می‌داند. بر همین اساس، این توافق در زمان دولت اوباما، عاملی برای بروز تنش در روابط واشنگتن و ریاض بود (عمادی و علیخانی، ۱۴۰۰).

روی کار آمدن ترامپ و خروج او از توافق برجام^۸ و اعمال فشار حداکثری بر ایران، روابط تیره و تار ریاض و واشنگتن را بهبود بخشید. اما عمر کوتاه ریاست جمهوری ترامپ و به قدرت رسیدن بایدن و سیاست او مبنی بر بازگشت به برجام، سبب بازگشت مجدد تنش میان دو کشور شد. در این خصوص دو کشور سیاست‌های متفاوتی را در مورد ایران اتخاذ کردند.

دکتر عماد آبناس: آقای بایدن آمده تا آن رویکرد قبلی امریکا که در زمان اوباما شروع شد، مبنی بر حل مشکلات از طریق دیپلماتیک، را پیش بگیرد و سخنرانی وی نیز نشان داد که وی دنباله‌رو این دیدگاه است در واقع ایشان خود بنیانگذار این دیدگاه هستند و در جریان گفتگوهای هسته‌ای پدرخوانده مذاکرات از سمت امریکایی‌ها بودند بر اساس این دیدگاه آن‌ها تلاش دارند اختلافات خود با ایران را به صورت مرحله‌ای یا به قول خودشان پله پله حل و فصل کنند و شروع آن از توافق هسته‌ای می‌باشد (خبرگزاری اسپوتنیک فارسی، ۲۱ ژانویه ۲۰۲۱). اما پس از به قدرت رسیدن بایدن، ایشان با طرح سند ۸۰ صفحه‌ای خود و اختصاص دادن بعضی سیاست‌هایش درمورد برجام، روند آن را شکل دیگری مطرح کرد.

در خصوص موضوع برجام، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا در اولین نشست خبری خود اظهار کرد که موضع بایدن بسیار شفاف است. اگر ایران به تعهدات خود ذیل توافقنامه هسته‌ای عمل کند، امریکا نیز برمی‌گردد. اگر ایران به برجام برگردد و پایبند باشد، ما یک تیم تخصصی برای گفت‌وگو درباره بازگشت به این توافق تشکیل می‌دهیم. آن زمان همراه با متحدان خود از برجام به عنوان سکویی برای حل موضوعات دیگر استفاده خواهیم کرد اما تا آن زمان فاصله زیادی وجود دارد (خبرگزاری دیپلماسی ایرانی، ۱۱ بهمن ۱۳۹۹). این سخن نشان می‌دهد

⁸ Joint Comprehensive Plan of Action

دهد که بایدن از دو رئیس‌جمهور قبلی پیروی می‌کند. بایدن توافق برجام را با فشارهای حداکثری در پیش گرفته است.

شواهد بیانگر آن است که تاکنون بهبودی در برجام حاصل نشده است. نامزد بایدن برای معاون وزیر امور خارجه، کورت کمپبل^۹، در ۷ دسامبر ۲۰۲۳ عملاً برجام را مرده اعلام کرد و پس از آن نیز وزیر امور خارجه ایران، امیر عبداللهیان^{۱۰}، نیز در میان دانشجویان دانشگاه تهران در خصوص برجام اعلام کرد که هر چه بیشتر جلو می‌رویم برجام بی‌معناتر می‌شود و ما خود را مجبور نمی‌کنیم در تونل باریک برجام بمانیم (Responsible Statecraft, 2023 December). در واقع، یک نظرسنجی از دموکرات‌ها و جمهوری خواهان کنگره، مقامات دولت، دیپلمات‌های خارجی و ناظران ایران این موضوع را تایید کرده است: دولت بایدن اکنون هیچ سیاست قابل تشخیصی در مورد ایران و برنامه هسته‌ای آن ندارد. ایران تنها سزاوار یک اشاره گذرا در سخنرانی رئیس‌جمهور در مورد وضعیت اتحادیه بود (Foreign Policy, 2024 March 26).

سیاست نامشخص امریکا در برابر ایران و ناتوانی در تضعیف این کشور سبب شده است تا عربستان سیاست‌های خود را نسبت به ایران تغییر دهد. گسترش روابط با ایران و تغییر سیاست دست‌یابی به منافع در خاورمیانه حاکی از عصر جدیدی از سیاست‌ها در عربستان است. در این خصوص، شاهزاده فیصل بن فرحان آل سعود وزیر امور خارجه عربستان و حسین امیرعبداللهیان همتای ایرانی وی در ۱۰ مارس ۲۰۲۳ در پکن با یکدیگر و روابط خود را از سر گرفتند. سیاست‌های عربستان در سوریه و عراق نیز دچار تغییر شد. در سوریه، حمایت عربستان از مخالفان مسلح و سیاسی کاهش یافته است و اکنون مذاکراتی بین عربستان سعودی و سوریه برای احیای روابط در جریان است. در عراق نیز به دلیل افزایش مخالفت با ایران و تلاش بغداد برای نزدیکی به همسایگان عرب، مسیر بالقوه‌ای برای نفوذ عربستان باز شده است (Aljazeera, 2023 April 7). سیاست نزدیکی عربستان به ایران نشان می‌دهد که عربستان در مورد ایران منافع متعارضی را با امریکا در پیش گرفته است.

۳-۱-۳ حقوق بشر در عربستان

⁹ Kurt Campbell

¹⁰ Amir Abdullahian

سرکوب معترضان داخلی، دخالت نظامی عربستان در یمن و کشتار مردم یمن و قتل فجیع جمال خاشقچی^{۱۱} روزنامه نگار سعودی به دستور محمد بن سلمان در کنسولگری عربستان در استانبول، موجب تشویش اذهان عمومی مردم جهان علیه عربستان سعودی شده است. پیش از این امور نیز، حمله به خاک امریکا توسط اتباع سعودی در سال ۲۰۰۱ سبب بدبینی افکار عمومی جهان نسبت به عربستان شد.

بایدن قبل از پیروزی در انتخابات، اعلام کرد در روابط خود با عربستان تجدید نظر می‌کند. در جریان مبارزات انتخاباتی، بایدن قول داده بود که مسئولیت قتل جمال خاشقچی، روزنامه نگار و مقیم امریکا را پیگیری کند (Human right abuses are happening right now, 2023 January 24). در اکتبر ۲۰۲۰ همزمان با دومین سالگرد قتل خاشقچی، بایدن متعهد شد که دولت او روابط امریکا با پادشاهی {سعودی} را مورد ارزیابی مجدد قرار می‌دهد... و مطمئن می‌شود امریکا ارزش‌های خود را با فروش سلاح یا خرید نفت بررسی نمی‌کند (The guardian, 2023 October 7). پرداختن به موضوع حقوق بشر در عربستان از زمان ریاست جمهوری بوش آغاز شد و در زمان اوباما تشدید شد و همچنان نیز ادامه دارد.

اگر چه بایدن سیاست جدی را در برابر مسائل حقوق بشر در عربستان، اتخاذ نکرده و پیشرفت چشمگیری نداشته است اما عملکرد های او سبب شده است تا سیگنال های کافی برای جدی بودن موضوع حقوق بشر به عربستان فرستاده شود. بایدن به حمایت امریکا از جنگ بن سلمان در یمن پایان داد و فروش تسلیحات تهاجمی به پادشاهی را متوقف کرد و همچنین دستور انتشار یک ارزیابی اطلاعاتی از قتل خاشقچی را صادر کرد و به این نتیجه رسید که ولیعهد این ترور را "تأیید" کرده است. اگرچه او از تحریم ولیعهد خودداری کرد، اما به صراحت اعلام کرد که با او برخورد نخواهد کرد و لوید آستین وزیر دفاع را به عنوان گفتگوی خود انتخاب کرد و نشان داد که حاکم واقعی عربستان سعودی در واشنگتن مورد استقبال قرار نمی‌گیرد (Cook and Indyk, 2022). تنش ها در باب موضوع حقوق بشر عربستان از زمان ریاست جمهوری بوش پسر آغاز شده است و اکنون به دلیل کاهش وابستگی متقابل، افزایش یافته است.

¹¹ Jamal Khashoggi

۳-۲- عوامل همگرا

اکنون می توان در زمان بایدن دو موضوع را جزء مسائل همگرا بین امریکا و عربستان نام برد:

۳-۲-۱- توافق نامه ابراهیم

صلح ابراهیم^{۱۲} توسط دونالد ترامپ برای نزدیک کردن متحدین خاورمیانه ای امریکا مطرح شده است. امریکا به عنوان میانجیگر، روابط میان اسرائیل و اعراب را که پیش از این در تنش بوده در مسیر همکاری قرار داد و توافق نامه هایی را برای عادی سازی روابط میان این کشورها تهیه کرده است. در این میان اعراب جنوبی خلیج فارس تمایل بیشتری برای عادی سازی روابط با اسرائیل و همکاری های امنیتی با این کشور نشان دادند و این بدان سبب است که این کشورها به همراه اسرائیل، تهدید مشترکی را از سوی ایران احساس کرده اند.

امارات و بحرین اولین کشورها از خلیج فارس هستند که در سال ۲۰۲۰ روابط خود را با اسرائیل همراه با میانجیگری امریکا، عادی سازی کردند. عربستان نیز در بحبوحه عادی سازی روابط با اسرائیل به سر می برد. اگر چه این کشور با وجود عدم روابط رسمی با اسرائیل، در چند موضوع همکاری های امنیتی با این کشور داشته است. ایجاد روابط میان اسرائیل و عربستان که دو کشور قدرتمند خاورمیانه هستند، برای امریکا بسیار حائز اهمیت است. نزدیک کردن اسرائیل و عربستان و تشکیل یک ترتیبات امنیتی در خاورمیانه، راه حل سودمند امریکا برای تامین منافع اش می باشد. در همین زمینه، واشنگتن منشور « قدس - جده »، که یک سند فوق محرمانه است، را ترتیب داده که در آن پیش بینی شده بود تا در یک زمان تقریباً ۹۰ روزه روابط اسرائیل با اعراب خلیج فارس عادی سازی شود و در این روند، اولویت با عادی سازی روابط با عربستان بود (HuffPost, 2024 Jan 13). هرچند به دلیل مسئله فلسطین تا کنون صلح میان اسرائیل و عربستان محقق نشده است.

در چارچوب عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل، عربستان به دنبال امتیازاتی از امریکا می باشد. در واقع، سعودی ها نسبت به سایر طرف ها فوریت کمتری دارند. اولاً، {سعودی ها} به اصل توافق متعهد نیستند، در حالی که اسرائیل و ایالات متحده مدت هاست که درباره اهمیت

¹² Peace of Abraham



عادی سازی روابط بین اسرائیل و همسایگانش صحبت می‌کنند. نتانیاهو و بایدن نیز با تنگناهای سیاسی دشواری روبرو هستند و هر کدام می‌توانند از یک پیروزی { برای در قدرت ماندن } استفاده کنند. اقتصاد عربستان سعودی قوی است و ولیعهد محمد بن سلمان معتقد است که او برای دهه‌ها در قدرت خواهد ماند. او (محمد بن سلمان) می‌تواند این معامله را امروز، در ۵ سال یا ۱۰ سال انجام دهد. برای چنین حرکت بزرگی، او پاداش‌های بزرگی می‌خواهد و از دیدگاه صرفاً سیاسی، دشوار است تصور کنید که او مشتاق به ارائه یک پیروزی سیاسی به بایدن یا نتانیاهو است (Csis, 2023 September 22).

عربستان برای رسیدن به یک توافق کامل با اسرائیل به دنبال پیمان امنیتی و کمک به برنامه هسته‌ای اش از سوی آمریکا می‌باشد. آمریکا برای به سرانجام رساندن توافق، وارد معاملات دو طرفه با عربستان شده است. یک مقام آگاه در گفت‌وگو با میدل ایست نیوز: توافق ابراهیم ابعاد گوناگونی دارد اما سه محور اصلی آن عبارتند از: محور اول امضای توافق دفاع مشترک میان عربستان و آمریکا است که در آن آمریکا هرگونه کاری در صورت هرگونه حمله از جانب ایران در دفاع از عربستان انجام می‌دهد و همچنین بر عکس آن، یعنی آنچه عربستان در صورت حمله به منافع آمریکا انجام می‌دهد، برطرف شده است. به گفته این مقام، محور دوم توافق تسهیل دستیابی عربستان به سلاح‌های پیشرفته آمریکاست همچنین در محور سوم، دو کشور درباره برنامه هسته‌ای غیر نظامی تابع نظارت شدیدی توافق کرده‌اند که به موجب آن عربستان می‌تواند از منابع اورانیوم خود برای رآکتورهای هسته‌ای استفاده کند (خبرگزاری دیپلماسی ایرانی، ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳).

این مقام در ادامه تأکید کرد که در برابر، عربستان متعهد شده که سرمایه‌گذاری‌های چین در خاک عربستان و نیز روابط نظامی خود با چین را محدود کند و سامانه‌های پدافندی جدید خود را کاملاً با تسلیحات آمریکایی نوسازی کند، تعهدی که منافع بسیاری برای تولیدکنندگان سلاح آمریکایی خواهد داشت و به ارتش‌های دو کشور امکان همکاری متقابل را می‌دهد. این مقام آگاه تأکید کرد که عربستان در ازای همه این توافقات روابط خود را با رژیم صهیونیستی برقرار خواهد کرد با این شرط که «بنیامین نتانیاهو» متعهد به همکاری برای برقراری راه حل دو کشوری با همکاری تشکیلات خودگردان فلسطینی پس از اصلاح آن باشد (خبرگزاری دیپلماسی ایرانی، ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳).

نکته اینجا است که هیچ نشانه‌ای مبنی بر حرکت رهبران اسرائیلی برای پیوستن به این معامله علیرغم اهمیت نمادین برقراری روابط با عربستان سعودی برای اسرائیل وجود ندارد. این مقاومت، همراه با حمله نظامی اسرائیل به شهر رفح، یک معامله بزرگ سه جانبه بالقوه را که بایدن آن را به عنوان پایه‌ای برای راه حل مناقشه طولانی مدت میان اسرائیل و فلسطین ضروری می‌داند، به خطر می‌اندازد. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، درخواست‌ها برای ایجاد یک کشور فلسطینی را رد کرده و مدعی است که چنین مسئله‌ای این کشور را به «پناهگاه تروریسم» تبدیل خواهد کرد (خبرگزاری تابناک، ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳).

اگرچه توافق میان اسرائیل و عربستان صورت نگرفته اما این عادی سازی در روابط میان امریکا و عربستان اثر گذاشته است و سبب شده در روابط میان این دو کشور بهبود حاصل شود.

۳-۲-۲- مسئله فلسطین

حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به اسرائیل و پاسخ اسرائیل به این حمله، سبب جنگ در حجم گسترده میان حماس و اسرائیل شده است. کشتار مردم بی گناه در این جنگ سبب جریحه دار شدن احساسات مردم دنیا شده است. راهپیمایی‌ها و تظاهرات گسترده در سراسر دنیا به خصوص در کشورهای عربی و امریکا، دولت مردان این کشورها را به فکر حل مسئله فلسطین و ایجاد یک کشور مستقل فلسطین انداخت.

جنگ ۷ اکتبر در بجهوه توافق میان عربستان و اسرائیل صورت گرفت. این جنگ شرایط پذیرش توافق را برای عربستان دشوار کرده است. این کشور برای عادی سازی روابط با اسرائیل نیاز به همراه کردن افکار عمومی مردم خود دارد اما به دلیل بحران جنگ همراه کردن افکار عمومی برای مقامات سعودی دشوار شده است. اگر چه پیش از جنگ عربستان به مسئله فلسطین در توافقات خود اشاره کرده است اما آغاز جنگ سبب شد تا عربستان ابتدا به موضوع فلسطین و حل آن بپردازد. مقامات سعودی برای عادی سازی روابط با دو جبهه در حال تنش هستند: ۱- برخورد با مردم داخل برای جلوگیری از انتشار محتوای تحریک آمیز در خصوص مسئله عادی سازی روابط با اسرائیل ۲- گفت و گو با مقامات اسرائیل برای حل مسئله فلسطین.



در همین چارچوب، عربستان برای توافق روابط خود با اسرائیل این شرط را مطرح کرد که بنیامین نتانیاهو باید متعهد به همکاری برای برقراری راه حل دو کشوری با همکاری تشکیلات خودگردان فلسطینی پس از اصلاح آن باشد (خبرگزاری دیپلماسی ایرانی، ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳). پادشاهی عربستان موضع قاطع خود را به دولت آمریکا اعلام کرده است که هیچ روابط دیپلماتیک با اسرائیل وجود نخواهد داشت مگر اینکه یک کشور مستقل فلسطینی در مرزهای سال ۱۹۴۷ با اورشلیم شرقی به عنوان پایتخت آن به رسمیت شناخته شود و تجاوز اسرائیل به نوار غزه متوقف شود و تمام نیروهای اشغالگر اسرائیل از نوار غزه خارج شوند (Al Jazeera, 2024 March 21).

اعتراضات شدید در آمریکا و تزلزل در ایجاد منافع این کشور سبب شد تا مقامات این کشور به سمت حل مسئله فلسطین بروند. جو بایدن رئیس دولت آمریکا نیز برای حل مسئله فلسطین طرح ۳ مرحله ای را ارائه کرده است. او گفت مرحله اول این طرح پیشنهادی ۶ ماه طول می کشد و شامل آتش بس و توقف حملات به صورت کامل و همه جانبه، عقب نشینی نیروهای اسرائیل از همه مناطق مسکونی در غزه، آزادی تعدادی از گروگان ها از جمله زنان، سالمندان و زخمی ها در مقابل آزادی صدها اسیران فلسطینی است و همچنین جنازه اسیران اسرائیلی فوت شده نیز به اسرائیل بازگردانده می شود. در مرحله دوم همه اسیران در اختیار گروه های فلسطینی آزاد می شوند که شامل نظامیان مرد هم می شود و همچنین نیروهای اسرائیلی نیز از غزه عقب نشینی می کنند و براساس این طرح تا زمانی که حماس به تعهداتش عمل کند آتش بس موقت به دائم تبدیل می شود. در مرحله سوم فراخوان بازسازی بزرگ غزه شروع خواهد شد (خبرگزاری عصر ایران، ۱۲ خرداد ۱۴۰۳).

هدف و تمرکز آمریکا و عربستان بر حل مسئله فلسطین، آن ها را به همکاری در این زمینه وا داشته است. متیو میلر، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در گفت و گو با تایمز اسرائیل اعلام کرد: رسیدن به توافق با ریاض بسته به آرامش در غزه دارد. به گفته او، تا زمانی که آرامش در غزه برقرار نشود و یک کشور مستقل فلسطین تشکیل نشود، ریاض واضح است که توافق را امضای نمی کند. در این راستا آنتونی بلیکن، وزیر امور خارجه آمریکا، در سفر خود به ریاض و در دیدار با همتایان عرب خود برای همراه کردن آن ها با خود برای توافق گسترده اعراب با اسرائیل (طرح ابتکار دیپلماتیک منطقه ای)، اعلام کرد: ما نه تنها به دنبال راه رسیدن به دو کشور، بلکه بازسازی غزه، اداره غزه و امنیت غزه هستیم (The Times of Israel, 2024 May 3).



نشست سران سعودی و امریکایی برای حل مسئله فلسطین و ایجاد کشور مستقل فلسطین سبب همکاری نزدیک تر آن‌ها در ایجاد منافع همسوی آن‌ها شده است.

نتیجه گیری

روابط امریکا و عربستان که از نفت آغاز شده و سال‌ها با همکاری در زمینه‌های مختلف شکل گرفته است، از دو دهه پیش این روابط به سردی گراییده است. از زمان آغاز روابط بین امریکا و عربستان سعودی تا کنون این ارتباط نظم منطقه خاورمیانه را شکل داده است. کاهش روابط میان این کشور سبب خلا در نظم منطقه می‌شود و این امر به ضرر هر دو کشور خواهد بود زیرا از هم پاشیدن نظم امریکایی منافع موجود امریکا را به خطر انداخته و همچنین عربستان نیز دچار خلا امنیتی برای دفاع از خود خواهد شد.

اکنون ما شاهد هستیم که امریکا برای خروج از منطقه به دنبال ایجاد یک نظم با همکاری قدرت‌های منطقه ای متحد خود می‌باشد و عرصه را برای حضور امنیتی چین در خاورمیانه خالی نخواهد گذاشت. امریکا برای ایجاد نظم منطقه ای به دنبال نزدیک کردن و ایجاد روابط میان اسرائیل و اعراب است. این امر که امریکا تا زمانی که این نظم را ایجاد نکند از منطقه به طور کامل خارج نخواهد شد، کاملاً آشکار است. اما موضوع دیگر این است که خروج کامل امریکا از منطقه، روابط این کشور با عربستان را به حداقل خواهد رساند.

سیاست‌های جدید دو کشور عربستان و امریکا و تامین منافع خود به روش‌های متفاوت، آینده روابط دو کشور را رقم خواهد زد. عربستان در دوره محمد بن سلمان ولیعهد جوان، سیاست‌های جدیدی را به خود دیده است. سیاست‌های جدید بن سلمان عصر جدیدی از روابط عربستان با سایر کشورها را رقم زده است. در دوره جدید، روابط میان امریکا و عربستان همراه با تقابل‌ها و همکاری‌های در زمینه‌های متفاوت بوده و تا کنون سبب شده تا یک رابطه کج دار و مریض بین دو کشور ایجاد شود. اما برگزاری انتخابات جدید در امریکا و انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور بعدی امریکا شاید بتواند آینده روابط بین دو کشور را بهبود ببخشد.

منابع فارسی

- بهرامی مقدم، سجاد، همکاری و تعارض منافع ایالات متحده آمریکا - عربستان در خاورمیانه، صلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره بیست و ششم، پاییز ۱۳۹۷، ۳۰۱-۲۷۵
- پوراحمدی، حسین و دارابی، وحید، رقابتهای ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه در چارچوب نظریه موازنه منافع شوئر (۲۰۱۷-۲۰۱۵)، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷، ۱۵۰-۱۲۵
- جوانمرد، فاطمه، سیاست آمریکا در تامین امنیت نفت خلیج فارس، یازدهمین دوره کنفرانس بین‌المللی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و تحول، تیر ۱۴۰۲
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و نعمتی، امیرحسین، صف آرای عربستان سعودی با اسرائیل از نگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۸، ۸۹-۷۰
- عمادی، سید رضی و علیخانی، مهدی، روابط آمریکا و عربستان سعودی در دوره ریاست جمهوری جو بایدن؛ عوامل تعیین‌کننده و پیامدهای (با تاکید بر پیشنهادهای رسانه‌ای)، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، سال ششم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۲۸۶-۲۶۱
- خبرگزاری اسپوتنیک، چشم انداز روابط ایران و آمریکا در دوران بایدن، ۲۱ ژانویه ۲۰۲۱: www.spnfa.ir
- خبرگزاری تابناک، عربستان و آمریکا در یک قدمی توافق بزرگ، ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳: www.tabnak.ir
- خبرگزاری دیپلماسی ایرانی، برجام مد نظر جو بایدن برجام اوپاما نیست، ۱۱ بهمن ۱۳۹۹: www.irdiplomacy.ir
- خبرگزاری دیپلماسی ایرانی، جزئیات توافق آمریکا و عربستان برای عادی سازی روابط ریاض و تل‌آویو، ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳: www.irdiplomacy.ir
- خبرگزاری عصر ایران، جو بایدن: طرح ۳ مرحله‌ای برای پایان جنگ غزه / حماس: نگاه مثبت داریم، ۱۲ خرداد ۱۴۰۳:

English sources

-Al Jazeera (2023 April 7). How has the Saudi-Iran divide affected the Middle East?: <https://www.aljazeera.com/news/2023/4/7/how-has-the-saudi-iran-divide-affected-the-middle-east>

-Al Jazeera (2024 March 21). Blinken meets with Arab officials, calls for ‘enduring end’ to Gaza crisis: <https://www.aljazeera.com/news/2024/3/21/blinken-meets-with-arab-officials-calls-for-enduring-end-to-gaza-crisis>

-Bozorgmehri, Majid and Ghasemi, Hakem. (2022). Significant Changes in Saudi Arabia`s Foreign Policy towards Iran (2021) Reasons and Motivations. The Quarterly Journal of Political Studies of Islamic World. Vol. 10. No. 40. 17-30

-Cook, Steven A and Indyk, Martin. (2022). The Case for a New U.S.-Saudi Strategic Compact. Concil Foreign Relation. 94 (2022). 1-39

-CSIS (2023 September 22). Biden’s Efforts to Bring Saudi Arabia into the Abraham Accords: <https://www.csis.org/analysis/bidens-efforts-bring-saudi-arabia-abraham-accords>

-EIA (2024 March 28). How much shale (tight) oil is produced in the United States?: <https://www.eia.gov/tools/faqs/faq.php?id=847&t=6>

-Foreign Policy (2024 March 26). Whatever Happened to Biden’s Iran Policy?: <https://foreignpolicy.com/2024/03/26/bidens-iran-policy-nuclear-deal-jcpoa/>

-Huffpost UK (2024 January 13). Top Biden Aid Official For Gaza Will Soon Leave Post: https://www.huffingtonpost.co.uk/entry/exclusive-top-biden-aid-official-for-gaza-will-soon-leave-post_uk_65a38609e4b0351062f21d38

-Human Rights watch (2023 January 24). Biden's Empty Call to Reevaluate US-Saudi Relationship: <https://www.hrw.org/news/2023/01/24/bidens-empty-call-reevaluate-us-saudi-relationship>

-Responsible Statecraft (2023 December 12). Is Biden taking the Iran nuclear deal off life support?: <https://responsiblestatecraft.org/biden-iran-nuclear-deal/>

-The Guardian (2023 October 7). Biden accused of betrayal of Khashoggi over push to deepen Saudi ties: <https://www.theguardian.com/us-news/2023/oct/07/biden-saudi-arabia-mohammed-bin-salman-jamal-khashoggi>

-The Times of Israel (2024 May 3). US ‘very close’ to bilateral deal with Saudis, but it hinges on Israel normalization: <https://www.timesofisrael.com/us-very-close-to-bilateral-deal-with-saudis-but-it-hinges-on-israel-normalization/>

Influential factors in the relations between America and Saudi Arabia during the Biden era

Fateme Javanmard

Reza Ekhtiari Amiri

Master of International Relations

Assistant Professor of International Relations at Mazandaran University

Abstract

After years of cooperation and relations between America and Saudi Arabia due to the alignment of interests, in the last two decades we have seen a decrease in cooperation and a conflict in the interests of these two countries. The reduction of American presence in the Persian Gulf was accompanied by conflicting interests between these two countries. This decrease in relations started during the Obama era and has intensified now under Biden, and the possibility of establishing minimal relations between the two countries has increased. The present research seeks to answer the question; What factors have affected the relations between America and Saudi Arabia during the Biden era? In response, it should be said that various reasons can be mentioned for the reduction of relations between these two countries, but the most important ones are oil, Iran and the issue of human rights in Saudi Arabia. But despite the decline in relations between the US and Saudi Arabia, the two countries still have aligned interests, which has led to their cooperation in certain fields. Abraham's peace and the Palestinian issue have been among the converging factors for these two countries until now. Considering different and similar interests, the Balance of interests approach has been used to explain the current research. The present research method is qualitative and with a descriptive-explanatory approach, and the data are collected from library and internet sources.

Key words: America, Saudi Arabia, conflicting interests, aligned interests